

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش سیاستی

تحلیل نگرش چین به ایران و منطقه خاورمیانه

توضیح مقدماتی: این گزارش بر اساس مطالعه، مشاهده و تأملات غیر رسمی و متعاقب گفتگو با طرف‌های غیر دولتی چینی (از جمله اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها شرکت‌ها و غیره) تهیه شده و هیچگونه جنبه دولتی و حاکمیتی از هیچ طرفی ندارد. هدف اصلی، بررسی این موضوع است که «آیا تحولات سیاسی و راهبردی دو سال گذشته تغییری در نگرش چین به منطقه خاورمیانه و ایران ایجاد کرده است یا خیر؟». از آنجا که چین کشوری است که مواضع خود را در سیاست خارجی به صورت راهبردی برمی‌گزیند و بعداً به کندی ممکن است تغییر دهد، پاسخ به این سوال می‌تواند فرصت‌های همکاری را روشن کند.

بخش اول: اهمیت استراتژیک منطقه برای چین و چالش‌های ایران

- **خاورمیانه و امنیت انرژی:** خاورمیانه و خلیج فارس برای چین اهمیت راهبردی بالایی دارد. این منطقه به نقطه تلاقی و تقابل ذی‌نفعان مختلف تبدیل شده، فراتر از صرف مواردی مانند مسائل فلسطین، لبنان و غیره رفته و جنبه بلندمدت به خود گرفته است. خلیج فارس، منبع امنیت انرژی چین است، زیرا بخش عمده‌ای از واردات انرژی این کشور از این مسیر تأمین می‌شود. بنابراین، پایداری ثبات این منطقه برای موتور اقتصادی چین حیاتی است.
- **تنش ایران و غرب:** تنش بین ایران و آمریکا به صورت مستقیم بر روابط اقتصادی ایران و چین که بیشترین تعامل اقتصادی سودمند با آمریکا را دارد تأثیر منفی و بازدارنده دارد. همچنین چینی‌ها از نامشخص و ناروشن بودن راهبرد کلی ایران در خصوص اصلاح روابط ایران و غرب (به خصوص ایالات متحده) ابراز سردرگمی می‌کنند. این موضوع گاه با تفاوت مواضع دولت و بخش‌های گوناگون حاکمیت دوچندان می‌شود.
- **مشکلات و تنش‌های داخلی ایران:** فعالان اقتصادی چینی، در خصوص احتمال تنش‌های داخلی ایران و ابعاد آن، نگرانی‌های قابل اعتنایی دارند، چرا که در هر صورت چنین تنش‌هایی می‌تواند بر

فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها تأثیر سو بگذارند. علاوه بر این، فعالان چینی نسبت به وضعیت کنونی و آینده فعالان محور مقاومت دارای دغدغه‌های مشخص هستند.

همچنین، از نظر ایشان، مسائل داخلی ایران مانند احتمال بروز تنش‌های اجتماعی-اقتصادی، کاهش ارزش پول ملی، و مدیریت ضعیف، جذب سرمایه‌گذاران را دشوار کرده است. فارغ از محدودیت‌های اصلی که ناشی از تحریم هستند، شرکت‌های چینی مستقر در ایران در قالب فدراسیونی، آسیب‌شناسی مکتوب و معرفی مشخص گلوگاه‌های فعالیت‌هایشان در کشور را تهیه کرده‌اند در این فهرست، بسیاری از مواردی که مانع کار شرکت‌های چینی شده‌اند به صورت دقیق و عینی (نه کلی) نوشته شده است که قابلیت ارائه آن به نهادهای مسئول دولتی و حاکمیتی برای مانع‌زدایی وجود دارد ولی در عین حال مرجعی برای پیگیری و مانع‌زدایی در دولت یا سایر نهادهای مربوطه برای این شرکت‌ها شناسایی نشده است. قابل توجه اینکه شرکت‌های مذکور در زمره مواردی هستند که علی‌رغم تمام محدودیت‌ها و ریسک‌های تحریمی و جرمه‌ای حضور در بازار ایران، به فعالیت خود ادامه داده‌اند. بنابراین مذاکره، تماس مداوم و اهتمام برای حل مسائل و موانع پیش روی ایشان واجد ارزش است.

بخش دوم: تصویر واضح متقابل

۱. نگاه طرف‌های سیاسی و تجاری ایرانی به چین: حمایت سیاسی در شورای امنیت ملل متحد، نادیده گرفتن تحریم‌ها، کمک‌های نظامی و نقش یک شریک راهبردی کامل از جمله مهم‌ترین چشم‌اندازهای اصلی در فضای سیاسی ایران نسبت به چین هستند که با واقعیت صحنه در محیط جهانی پساقطبی همخوانی ندارد. از این رو فعالان چینی گالایه دارند که روایت‌های موجود ایرانی چین را نمی‌شناسند و برداشت ساده‌ای از این کشور دارند و همچنین، نوعی از چین‌ستیزی یا چین‌گریزی در لایه‌هایی از جامعه ایران وجود دارد.

۲. چین و آمریکا: چین مازاد تجاری عظیمی با آمریکا دارد که ظرفیت سرمایه‌گذاری فیما بین بزرگی ایجاد می‌کند. همچنین چین پیشرفت قابل‌اعتنایی در زمینه‌های تکنولوژیک داشته است، به طوری که حتی آمریکا و اروپایی‌ها نیز این کشور را واجد اهمیت تکنولوژیک می‌دانند و با تغییراتی که در ترتیبات تکنولوژیک جهان رخ داده است لااقل اروپا ابایی از استفاده از ظرفیت‌های چین برای توسعه خود ندارد.

۳. اقتصاد و توسعه در چین و رویکردهای کلان رئیس‌جمهور شی: اقتصاد چین در حال تحول از تولید برای صادرات، به تولید برای مصرف طبقه متوسط داخلی (تقریباً ۴۵۰ میلیون نفر) است که

تقاضاهای مدرن‌تری نسبت به گذشته دارند. به طور کلی و با توجه به جایگاه فرارونده چین در مناسبات جهانی، شناخت چین و همین‌طور روانشناسی شخص رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ، برای هر بازیگر جدی – از جمله دولت‌ها، دانشگاهیان، شرکت‌ها و دیگر بازیگران غیردولتی – در محیط جهانی ضروری است. آقای رئیس‌جمهور شی برای چین، رهبری در سطح مائو و دنگ شیائوپینگ است: با اقتباس از ایده کلاسیک ماکس وبر، می‌توان گفت برای چین، مائو قدرت آورد، دنگ شیائوپینگ ثروت، و شی منزلت جهانی. رویکرد پیشین چین سابقاً انزواگرایانه بود، اما شی به دنبال جامعه جهانی با رهبری چین است.

در رویکرد کلی، رئیس‌جمهور شی چهار ابتکار جهانی ارائه کرده است:

۱. ابتکار توسعه جهانی (Global Development Initiative)
۲. ابتکار امنیت جهانی (Global Security Initiative)
۳. ابتکار تمدنی جهانی (Global Civilization Initiative)
۴. ابتکار حکمرانی هوش مصنوعی جهانی (Global AI Governance Initiative)

بن‌مایه‌ی اصلی رویکرد چین بر «توسعه» به عنوان الگوی اصلی جهان کنونی و آینده استوار است که با امنیت همراه شده و گفتگوی تمدنی به عنوان سیستم عصبی نگهدارنده آن عمل می‌کند؛ در این چارچوب، اتحاد و برابری میان کشورها الگوی سیاست‌گذاری پکن را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، رهبری رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ بر بازگرداندن منزلت جهانی چین تمرکز دارد، به گونه‌ای که این کشور دیگر با کنار گذاشتن موضع انفعالی گذشته خود، و پرهیز از عملکرد واکنشی، از طریق ساخت زیرساخت‌ها به جهت‌دهی روندهای جهانی می‌پردازد.

این رویکرد می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی برای ایران فراهم آورد، زیرا در صورت تسلط بیشتر آمریکا بر منطقه، پروژه‌های راهبردی شی با چالش مواجه شده و مناطق آسیای مرکزی، غرب آسیا و شمال آفریقا تحت تأثیر منفی قرار خواهند گرفت. اما در عین حال طرف‌های چینی ابراز می‌دارند که در بسیاری از موضوعات اولیه و حتی شناسایی شرکای مناسب در ایران، با ابهام قابل اعتنایی روبرو هستند.

در تحلیل دوگانه نظام سیاسی چین – میان «نزدیکان به هسته قدرت» از یک سو و «فعالان اقتصادی» از سوی دیگر – گروه نخست یعنی نزدیک به قدرت بر این باورند که حمایت بیشتر از ایران برای جلوگیری از تغییر وضعیت منطقه به زیان منافع چین ضروری است؛ علاوه بر این، چالش‌های مرتبط با فروش نفت ایران، از جمله رقابت‌های داخلی و کاهش قیمت‌ها، بر پیچیدگی روابط می‌افزاید. برداشت نهایی این است که «برقراری ارتباط با افراد کلیدی

در چین می‌تواند اراده مثبتی برای همکاری ایجاد کند؛ البته واضح است که اولویت‌های پکن در محیط جهانی متفاوت از تهران است و تمایل به همکاری‌های چندجانبه با مشارکت با سایر کشورها بر هر امر دیگری از جمله استقبال از تنش و احیاناً مقاومت در مقابل تحمیل‌های نظام بین‌المللی غلبه دارد و به منظور واقع‌بینی در تحلیل، باید این اولویت‌بندی چینی را مد نظر قرار داد. پذیرش این اولویت‌بندی واقعی در نظام حکمرانی چینی، می‌تواند در تنظیم نگاه، رویکردها و توقعات ایران (چه در سطح حاکمیت و چه در سطوح همکاری‌های اقتصادی و غیره) مفید باشد.

در مقابل و در طرف چینی نیز، تصویر نادرست از جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام ناپایدار، به واسطه فشارهای خارجی، تحمیل عملیات نظامی و احیاناً اعتراضات داخلی بر شناخت دقیق چین از وضعیت داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و نیز امکانات واقعی همکاری و توسط روابط دولتی و غیردولتی، تأثیر منفی می‌گذارد. حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران با وجوه مختلف ارادی و تحمیلی، ذاتاً با آنچه در ذهنیت چینی‌هاست فاصله دارد؛ همانطور که با الگوهای غربی نیز مطابقت ندارد. در نتیجه استحکام و استواری نظام حکمرانی با لحاظ کردن معادلات سرزمینی، تاریخی و نیز موقعیت ویژه سیاسی - قطع نظر از علت به وجود آوردن آنها - باید در نظر گرفته شود. این نکته نیز مانند جهت مقابل پیش‌گفته بر دقیق و واقعی بودن تصویر سیاستمداران و فعالان اقتصادی در محاسبات کاربردی ایشان در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران موثر خواهد بود.

بخش سوم: دلایل ناکامی در روابط ایران و چین

چهار دلیل اصلی برای کندی پیشرفت روابط ایران و چین قابل شناسایی است:

۱. راهبردهای سیاست خارجی چین: راهبردهای سیاست خارجی چین که بر پایه وضعیت این کشور به عنوان یک اقتصاد در حال توسعه با تمرکز بر تأمین نیازهای ۱,۵ میلیارد نفر جمعیت بنا شده است و در نتیجه رویکرد محافظه‌کارانه و عمل‌گرایانه اقتصادی را دنبال می‌کند؛ پکن در نظام بین‌الملل جایگاه مناسبی دارد و به جای تغییر اساسی ساختارها، اصلاحات تدریجی درونی را ترجیح می‌دهد، و مقامات چینی ترجیح می‌دهند تا پس از پایان درگیری‌ها وارد میدان شوند.

۲. اولویت‌های سیاست خارجی چین: دو موضوع اصلی در اولویت‌های کلان چین عبارتند از (۱) تمامیت ارضی و چین واحد و (۲) آمریکا (چین تا حد زیادی با سرمایه آمریکا رشد کرده و معتقد است روابط چین-آمریکا آینده جهان را شکل می‌دهد). البته در سال‌های اخیر، سیاست‌های ایالات متحده

آمریکا تا حدی این بازی را به هم زده است و به ویژه از دوران اوباما به بعد، سیاست تعاملی فیما بین دو کشور، را می توان به «سیاست تقابل مدیریت شده» تعبیر کرد. نهایتاً می توان گفت همسایگان، شبه جزیره کره و روسیه اولویت های بعدی سیاست خارجی چین هستند.

۳. سایه موضوعات دیگر بر روابط: رابطه ایران - آمریکا همواره بر روابط ایران - چین تأثیر گذاشته است. با انعقاد توافق هسته ای برجام، اکراه چین در رابطه با توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران کاهش یافت، اما تحریم های ناشی از خروج ایالات متحده آمریکا مجدداً این احتیاط چین را دامن زد. روابط چین با اعراب و اسرائیل نیز بر چگونگی و میزان روابط این کشور با جمهوری اسلام ایران تأثیرگذار است. چین جهان عرب را به صورت یک پدیده جامع و واجد کلیت می بیند و سفر رئیس جمهور شی به ایران در سال ۱۳۹۵ بنا بر اصرار طرف چینی، با بازدید از عربستان و مصر همراه بود. همکاری چین و اسرائیل نیز اساساً گسترده است و این توسعه روابط، حتی گاهی اعتراض آمریکا به اسرائیل را نیز برانگیخته است و از سوی دیگر نیز چین را در حمایت فعال از جمهوری اسلامی ایران در فقراتی مانند جنگ دوازده روزه، محتاط کرده است.

۴. سطح توقعات ایران: توقعات ایران از چین، نوعاً بدون اجابت می ماند، زیرا راهبرد جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود، انتخاب های آن را در محیط جهانی محدود کرده و در نتیجه با آغستگی به «نگاهی دوقطبی و جنگ سردی»، ناخودآگاه این انتظار را به وجود آورده است که چین و روسیه، مسائل ناشی از تحریم های غرب را به سود ایران خنثی کنند یا در مسائل و هزینه های این تقابل شریک باشند. در حالی که این امر در بضاعت و نیز اولویت این دو کشور قرار ندارد. از این رو گاه ممکن است طرف دارای انتظار - مانند ایران - از سطح روابط خود با طرف های مقابل (در اینجا چین و روسیه)، سرخورده شود. حال آنکه این آمادگی نه تنها در طرف چینی (و روس) وجود ندارد بلکه حتی با توجه به موارد پیش گفته، ایران به واسطه محدودیت های بر ساخته در سیاست خارجی خود، تا حد زیادی در مناسباتش با چین (و نیز روسیه) به «شریک ارزان» این کشور(ها) تبدیل شده و در نتیجه قدرت چانه زنی محدودی در موضوعات متنوع برای خود می بیند.

۵. گلابه اساسی چین: رویکرد اضطراری ایران در قبال چین: به عنوان یک مانع، برخی فعالان سیاسی، سیاستی و تجاری چینی معتقدند «ایران بیش از حد به غرب و بعد از آن روسیه توجه دارد و رابطه گسترده با چین را فقط برای دوران اضطرار خود می خواهد». توافق ۲۵ ساله فیما بین برای اصلاح این رویکرد پیشنهاد شد که البته با گنجاندن برخی موارد غیر ضروری و غیرواقع بینانه در متن که نهایتاً

نیز مورد مخالفت طرف چینی واقع شدند، این ذهنیت در طرف چینی بازسازی و حتی تقویت شد و وجه روانشناسانه توافق برای اصلاح این تصویر در ذهنیت سیاسی طرف‌های چینی موثر نیفتاد.

بخش چهارم: پیشنهادها

۱. **استفاده از شرکت‌های مشاوره مهندسی و مدیریت چینی:** یکی از پیشنهادهای کلیدی، بهره‌گیری از تخصص و همکاری چینی‌ها در بخش‌های مختلف کشور، به ویژه در حوزه «فرودگاه‌ها و ترانزیت هوایی» است. این پروژه می‌تواند به عنوان یک طرح پایلوت آغاز شود، که در آن شرکت‌های چینی با انتقال دانش فنی، سرمایه‌گذاری و به کارگیری مدل‌های مدیریتی کارآمد، به ارتقای زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی ایران کمک کنند. با شراکت طرف چینی در مدیریت زیرساخت‌ها و ترانزیت هوایی کشور، ضمناً امنیت آسمان ایران تقویت خواهد شد. ضمن آنکه امنیتی‌سازی این فضا نیز با حضور فعال و بارز طرف‌های چینی خنثی خواهد شد.

۲. **سیاست خارجی الهام‌بخش چینی:** پیشنهاد دوم، وارد کردن عناصر سیاست خارجی چین به رویکرد دیپلماتیک ایران است، که می‌تواند به معنای ادغام یا الهام‌گیری از اصول محافظه‌کارانه، عمل‌گرایانه و توسعه‌محور پکن باشد. این امر شامل تمرکز بر اولویت‌های داخلی مانند تمامیت ارضی و رشد اقتصادی، در حالی که از تقابل‌های غیرضروری پرهیز شود، می‌گردد. با الهام از مدل چینی، ایران می‌تواند سیاست خارجی خود را بر پایه اصلاحات تدریجی درونی و همکاری‌های چندجانبه بنا نهد، تا جایگاه خود در نظام بین‌الملل را تقویت کرده و چالش‌های روابط با قدرت‌های بزرگ را مدیریت نماید. یک نکته الهام‌بخش در اولویت بخشی چینی، واقعی بودن مفهوم اولویت است به طوری که اولاً موضوعات واجد اولویت بسیار محدود هستند و ثانیاً موضوعاتی که در صدر فهرست اولویت‌بندی سیاستی قرار ندارند، به راحتی در حاشیه موضوعات اولویت‌دار و رویکرد کلی اتخاذ شده قرار می‌گیرند.